

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

## نگاهی به مجموعه ای از ابزارتأمین منافع خارجی‌ها در کشور

اصل نظارت بر کل کشور و طرح‌های منطقی  
نشست مسکو و پیامدهای احتمالی آن

برداشت‌های متفاوت و نتیجه‌گیری‌های متضاد  
رتبه‌بندی نظامی قوت‌های مسلح کشور  
آیا ایالات متحده بعقب برمی‌گردد؟  
نظری به قاعده کلی در اینباره

جلسه و گفتگوهای گویا مشورتی ماه نوامبر مسکو با معیارها  
ی دوگانه بررسی می‌گردد. طرف روسیه از انحصار رویدادها  
صحبت بمیان آورده و امادر مقابل، ناظران غربی ادعا ورزید  
ند که گفتگوهای "طالب"ها با اعضای شورای عالی صلح  
افغانستان به نتایج قابل‌ذکری منتج نگردیده و درتداوم آن نیز  
شک و تردیدهایی موجود می‌باشد.

وضعیت و چگونگی اقدامات و انجام فعالیت‌های محاروبی، شرایط را بیش از هر زمان دیگر بمنظور تأمین امنیت و ایجاد  
صلح سراسری در کشور با مشکل مواجه نموده است. مطابق آمار ارائه شده، حاکمیت سیاسی کشور پر ۵۵ درصد از اراضی  
متعلق به افغانستان تسلط و نظارت داشته که نازلترین شاخص را طی سال‌های ۱۳۹۴ - ۱۳۹۷ نشان می‌دهد.  
مقامات محلی، بمثابه یک قاعده، برشهرها و واحدهای اداری عمده نظارت داشته و اعمال قدرت می‌نمایند، اما اراضی و  
قلمرو پشت "دیوارهای قلعه" در واقع، به "طالب"ها و متحدان شان متعلق می‌باشد.

مطابق آمار و ارقام ارائه شده توسط استخبارات امریکایی، ممکن در آینده بکمک و معاونت پنتاگون، حاکمیت کنونی به  
مراکز اساسی و مهم بود و باش اهالی کشور، نظارتش را بیشتر تأمین نموده و آنرا حفظ نماید.  
باوجود میلیارد‌ها دالر هزینه در امر تعلیم و تربیه و آمادگی‌های حربی و نظامی قوت‌های مسلح کشور، از نقطه نظر رتبه  
بندی توانی‌های نظامی، نیروهای امنیتی کشور، در امر نظارت بر کل کشور، از موجودیت کمبودی‌هایی، شدیدن در عذاب  
می‌باشد.

در محلات تحت تسلط "طالب"ها و یا در بخش‌هایی که حضور آنها متبارز می‌باشد، در حدود ۱۵ میلیون نفر از اهالی  
کشور بود و باش می‌نمایند.

اما در وضعیت کنونی، با مشتعل گردیدن درگیری‌های نیروهای دولتی و جنگجویان مخالف، این اهالی بیدفاع ملکی کشور اند  
که در آتش این درگیری‌ها قرار گرفته و متحمل تلفات می‌گردند.

"طالب"ها در محلات و مناطق تحت تسلط شان، مالیات و انواع و اقسام متعدد عَشْر و ذکاة را جمع‌آوری نموده و در نتیجه  
هزینه‌های انباشته شده را صرف خرید سلاح و نگهداری و مراقبت ستیزه جویان شان می‌نمایند.

در اینمورد از جانب بسیاری‌ها پرسش‌های متعددی مطرح می‌گردد که چرا قوت‌های مسلح کشور ما در امر مبارزه علیه  
شورشیان، مواضع شان را از دست می‌دهند، امریکایی‌ها و متحدینشان در کشور ما مصروف کدام امر و اجرای چه اموری

می باشند و چرا عده ای هم دوست ندارند در مورد استقرار صلح در کشور، سخنی بمان آید؟

متأسفانه طی ده‌های گذشته و قبلی، برخوردهای خشونت آمیزی که از جمله در مبارزات انتخاباتی (بمفهوم وسیع کلمه) بوقوع پیوست، کنون به روند سیاسی در کشور انتقال یافته و حتا بمثابه جریان روزمرگی در افغانستان مبدل گردیده است. اساس و مبدأ نبردهای ۱۷ سال اخیر کشور را، از یکجانب میارزه میان قوت های مسلح کشوریه پشتیبانی ناتو و از جانب دیگر، "طالب" ها که مورد حمایت بخشی از خدمات ویژه پاکستان قرار دارند، تشکیل می دهد. علاوه بر آن، در منطقه مربوط سلسله ای از فعالیت ها و عملکردهای گروه های تروریستی مانند "دولت اسلامی"، "القاعده"، "جنبش اسلامی ترکستان شرقی" و غیره نیز متبارز می باشد.

آیا می توان وضعیت نظامی کنونی را بمثابه یک دوره گذار از اقدامات گوریلابی به یک جنگ داخلی در سطح مقدماتی تو صیف نمود؟

طبق آخرین آمار و اطلاعات داده شده، در حدود ۱۵ مرکز اداری، تقریباً ۵۰ درصد از اراضی کشور تحت نظارت و تسلط حاکمیت مرکزی قرار داشته و در سایر بخش های دیگر کشوری ثباتی بیداد می کند.

تنها واقعیت موجودیت "مناطق تحت کنترل" ستیزه جویان، در حال حاضر در افغانستان برای هیچکسی تعجب آور نمی باشد. اما سه سال قبل، مطابق آمار تهیه شده توسط وزارت دفاع ایالات متحده، دولت افغانستان بر حدود ۷۰ درصد از سر زمین کشور و "طالب" ها صرف پرکتر از ۷ درصد از اراضی کشور تسلط داشتند.

طی سال ۱۳۹۷، ایالات متحده این واقعیت را تشخیص داد که مناطق تحت نظارت دولت بیش از هر زمان دیگر محدود و محدودتر شده است. در حالی که حاکمیت سیاسی کشور، قوت های مسلح شامل وزارت های دفاع و داخلی و امنیت ملی، مناطقی شهری، راه های ستراتیژیکی عبور و مرور به میدان های هوایی و غیره محلات ستراتیژیک را تحت نظارت قرار داده اند، بقیه قلمرو کشور، بویژه مناطق و محلات روستایی تحت اداره و حاکمیت جنگجویان قرار دارد.

در بسیاری از ولایت های کشور، توسط "طالب" ها ساختارهای موازی قدرت ایجاد شده، خدمات مالیاتی جدیدی وضع گردیده، پولیس نظارت بر راه ها تشکیل گردیده و تنظیم بازرسی آموزش نیز انجام پذیرفته است. طی آخرین سال ها، شاهد ایجاد پست های بازرسی در جاده های عمومی و مسیرهای رفت و آمد در داخل کشور نیز می باشیم. بسیاری از کارمندان دولت را با تهدید بمرگ از کار در موسسات دولتی بازداشته و مانع تهیه حداقل نیازمندی های زندگی خانوادگی آنها می گردند. در بسیاری از مناطق و محلات صفحات شمال کشور و در همجواری تاجیکستان و ازبکستان، بویژه طی سال ۱۳۹۷، "مخافضان مرزی" "طالب" ها نیز ایجاد گردید.

در اراضی کشور عزیز ما افغانستان، جنگ و نبردها بگونه بیحد و حصری تداوم حاصل نموده و هم اکنون قربانی ها و ویرانی های بیشماری را در پی دارد. طبق آمار ارائه شده، سالانه بگونه اوسط ۱۳۰۰ - ۱۷۰۰ اقدام تروریستی انجام پذیرفته و در طول یک سال، بیشتر از ۲۰ هزار درگیری های مسلحانه بوقوع پیوسته است که شامل مین گذاری راه ها، انجام عملیات های نظامی همراه با نبردهای مسلحانه و بمباردمان های قوت های نظامی هوایی ایالات متحده می گردد.

با بررسی ارقام و داده های موجود، در تلفات نیروهای دولتی در جریان جنگ ها و برخوردهای مسلحانه، از دید قابل ملاحظه ای بوجود آمده است. در نتیجه برخوردهای جنگی طی سال ۱۳۹۶، بتعداد ۱۵ هزار نفر از منسوبان قوت های مسلح کشور، جان های شان را از دست دادند. همچنان مطابق آمار و ارقام ارائه شده توسط سازمان ملل، در طول مدت زمان متذکره، بتعداد ۳ هزار نفر از اهالی ملکی کشور کشته و در حدود ۷ هزار نفر نیز مجروح گردیدند. در عرصه های مختلف جنگ کنونی براه انداخته شده در کشور، مزدوران جنگی خارجی بیبیشتر و بیبیشتری وارد میدان های نبرد می گردند که از جمله در مورد می توان از ورود جنگجویان "دولت اسلامی" که قبلن در سوریه و عراق مصروف جنگ بودند، نامبرد.

این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که دلایل زیادی دال بر شکست ها و عدم موفقیت های نیروهای مسلح افغان و قوت های نظامی خارجی در کشور موجود می باشد. "طالب" ها آموخته اند که تلاش ها و برنامه های جنگی و عملیاتی شان را به گونه سریعی انجام داده و بر پایگاه ها و مراکز کوچک قوت های مسلح تهدیداتی را بوجود آورند. در جریان عملیات های شبانه و بمباردمان های هوایی به مشکل بتوان محلات و مناطق مورد نظر را تشخیص نموده و مورد هدف قرار داد. آنها با انجام عملیات تروریستی، با سرعت محل مورد نظر را ترک گفته و در مقابل، با بمباردمان های پیهم نیروهای دولتی و قوت های ناتو در رأس ایالات متحده بر محلات و منازل مسکونی اهالی ملکی، تلفات عظیم جانی و مالی را به مردمان بیدفاع ما ببار می آورند.

البته این موضوع قابل تذکر می باشد که در پایگاه های مربوط به قوت های هوایی ایالات متحده امنیت نسبی موجود بوده که با استفاده از آن، از اراضی کشور ما بمثابه محل و مسیر "حمل و نقل زمینی" و همچنان ایجاد تهدیدات حملات هوایی علیه

روسیه، چین و ایران مورد استفاده قوت های نظامی ناتو و نظامیان امریکایی استفاده ابزاری بعمل می آید. اما از پایگاههای امریکایی بشدت محافظت بعمل آمده و دسترسی مخالفان مسلح به آنها بیش از حد دشوار بنظر می رسد.

افزایش درآمد "طالب" ها روز تا روز قوس صعودی می پیماید. آنها با استفاده از هزینههای بدست آمده، برای جنگجویان شان انواع سلاح و مهمات تهیه نموده و با استفاده از امکانات، طرز بکارگیری سلاح های ثقیله را نیز فراگرفته و در چنین وضعیتی، به خرابکاری های بیشماری متوسل می گردند. هزینههای بدست آمده از مدرک جمع آوری غنائم بمنظور تهیه سلاح و مهمات جنگی، قابل دقت بوده و بیش از پیش با استفاده از چنین هزینهها، به آتش جنگ های خانمانسوز در کشور دامن می زنند. تأمین و نگهداری بسیاری از بخش های جنگی و رزمی "طالب" ها حتا شبیه بخش ها و جزو تام های اردو های پیشرفته محسوب می گردد.

در مقابل، قوای مسلح کشور با کمبودی های فراوانی مواجه می باشد، بویژه موضوع فوق طی سال های پسین بوضاحت کامل بمشاهده می رسد که از جمله آنها را میتوان ذیلن برشمرد: فساد، سرقت مواد سوخت و مهمات و لوازم مورد ضرورت که در نتیجه، بسیاری از واحدهای نظامی بگونه کامل، آنهم در لحظات نهایت بحرانی بصورت یک کل فلج گردیدند. عدم انتقال بموقع مهمات و مواد مورد ضرورت و استفاده بخش هایی از اردوی ملی، عدم رساندن کمک ها به وقت و زمانش به آن عده از بخش های اردو که تحت محاصره "طالب" ها قرار می گیرند، عدم و نبود توجه لازم به پست های بازرسی و در نهایت، فعالیت های ضعیف استخباراتی بمنظور نظارت فعالیت ها و تحرکات "طالب" ها. همه ی این عوامل دست بدست هم داده و وضعیت را بیش از پیش برای انجام بموقع و موثر فعالیت ها و تطبیق برنامه های قوای مسلح کشور، دشوار می نماید. مردم و اهالی شریف کشور ما به نظم و آرامش و طرح های اجتماعی - اقتصادی و تطبیق عملی آنها در جامعه ضرورت دارند.

در اینمورد قابل یاددانهایی می باشد که ضعف ارگان های دولتی، موضوع جداگانه ای می باشد که باید به آن پرداخته شود. در شهرهای کوچک و نه چندان بزرگ، کار و نحوه عملکردها و فعالیت های آنها را چنانکه انتظار برده می شود، نمی توان اصلن مشاهده نمود. در برخی از شهرها، بناروال و برخی از مسوولان امور پس از یک سال در دفتر کارشان ظاهر می گردند. معاش ماهوار اندکی که به کارمندان دولتی پرداخته می شود، اصلن کفاف مصارف زندگی آنها را ننموده و ناگزیر به فساد اداری و رشوه خواری و سوو استفاده از مقام متوسل می گردند. بمنظور جبران کمبودی های پولیس کشور و بخاطر حفظ نظم در جامعه، اربکی ها و پولیس محلی ایجاد گردید تا در محلات، قدرت و حاکمیت را قسمن بدست آورند. ساختار متذکره، رفته رفته به جرایم مختلفی متهم گردیده و علاقمندی و رضایت مردم و باشندگان محل را نیز خدشه دار نمودند.

ستراتژی متذکره، بیشتر به کاپی برداری از فعالیت های حاکمیت سیاسی طی سال های ۸۰ کشور، شباهت بهم میرساند. حاکمیت آزمان نیز در جهت اتحاد و یگانگی تاکتیکی با قوماندان های محلی بمنظور ایجاد و تداوم ثبات در بسیاری از محلات کشور، اقدام نمود. اما پس از آن، سیاست های مصالحه ملی بسیار موفقتربود. عملن در طول مدت زمان دوسال، کابل موفق به تأمین نظارت بر تمامی راهها و مسیرهای اساسی گردیده و همچنان برنامهها و طرح های نه صرفن سیاسی، بلکه پروژها و ابتکارهای پیشنهادی اجتماعی و اقتصادی بمنصه اجرا قرار داده شد. دولت آزمان افغانستان نه تنها مصروف و مشغول جنگ و تداوم نبردهای مسلحانه علیه گروههای شورشی و مخالفان مسلح بود، بلکه به ایجاد کار و انجام فعالیت های ثمر بخشی بنفع مردم کشور نیز مبادرت ورزیده و در جهت احیای اقتصاد کشور نیز اقدامات درخور توجهی بعمل آمد که همه و بویژه اقشار با درآمد ناچیز را تحت پوشش و مورد حمایه قرار می داد.

سیاست اداری و اقتصادی حاکمیت کنونی کشور در سطح نسبتن ضعیفی قرار دارد. ادارات ایجاد شده موازی توسط "طالب" ها در محلات بمقایسه ارگان های دولتی بگونه بهترتر و موثرتری به فعالیت می پردازند. نمایندهای آنها بگونه ای درصدد آنند تا زندگی را در محلات نامبرده تحت نظارت جدی قرارداد و نظم و امنیت را تأمین نمایند. در بسیاری از حالات قادر گردیدند تا وفاداری خاصی از ساکنان محل را بدست آورند، اما متأسفانه که مقامات رسمی دولتی، بگونه اغلب و در بسا از مسایل، هیچگونه موردی را بهموطنان پیشکش نمی نمایند تا با استفاده از آن علیه شورشی ها به مقاومت بپردازند.

نباید فراموش نمود که ابتکارات سیاسی، بگونه کلی مورد پذیرش همگان قرار می گیرد، اما در شرایط و وضعیت کنونی کشور ما، این واقعیت بیش از هر موقع جلب توجه می نماید که نه کابل و نه نیروهای مسلح مخالف قادر به حل و فصل نظامی معضل کنونی در کشور نمی باشند. برعکس، وضعیت در کشور روزتا روز بوخامت می گراید و نیروهای مسلح مخالف دولت افغانستان، ساحه عملکردها و مانورهای نظامی شان را نیز وسعت می بخشند. آیا می توان با موجودیت ۵۰ - ۱۰۰ هزار تن از نظامیان امریکایی با استقرار ثبات و عادی ساختن اوضاع موفق گردید؟ اما به دلایل سیاسی، چنین اقدامی مجاز و ممکن بنظر نمی رسد، چه ایالات متحده قبل از همه در نظر دارد در طول زمانی و بگونه سریعی به اقدامات و فعالیت های حربی اش

در اراضی کشورما نقطه پایان بگذارد.

بسیاری از کشورهای جهان تلاش می‌ورزند تا حاکمیت سیاسی کشور و "طالب"ها را به انجام گفتگوها و مصالحه تشویق و ترغیب نمایند، نیروهای مسلح مخالف نیز باید از ادعاهای شان مبنی بر پیروزی از راه جنگ منصرف گردیده، روابط شان با سازمان‌ها و تشکل‌های تروریستی را قطع نموده و از تمامیت خواهی نیز انصراف ورزند. با کمال تأسف که کلیه اقدامات و ابتکارات صلح آمیز، این امر را درواشنگتن باعث می‌گردد تا در هر نوع وضعیتی وحتا در جریان دگرگونی سیاسی در کشور نیز تأسیسات و پایگاه‌های نظامی اش در اراضی متعلق به افغانستان را بهر قیمتی که شده، از خطرات و تهدیدهای احتمالی در امان نگهدارند.

دروضعیت و شرایط کنونی، این واقعیت بیش از هر زمان دیگری بر ملا گردیده که ایالات متحده و ناتو بگونه مستقلانه نمی‌توانند وضعیت در سراسر کشورما را تحت مراقبت و نظارت کامل خویش قرار دهند. همه‌ی ما شاهد می‌باشیم که ایالات متحده در صدد ایجاد و تنظیم طرحی می‌باشد تا وابستگی مستقیم کشورما را به تخنیک نظامی و جنگی امریکایی از قوه بفعال مبدل نموده تا با استفاده از چنین وضعیتی، سال‌های زیادی به موجودیت و حضور قوت‌های نظامی و جنگی اش در اراضی کشورما همچنان تداوم بخشیده و چنین حضوری را بمثابه ضرورت‌های امنیتی، قابل قبول جلوه دهد.

چنانچه یکی از شخصیت‌های مسوول و با نام و نشان امریکایی اظهار داشت که خروج نظامیان ناتو از افغانستان، در شرایط و وضعیت کنونی "بگونه واقعی عملی بنظر نمی‌رسد".

مسوولان پنتاگون اظهار داشتند که هرگونه امکان خروج قوت‌های نظامی ایالات متحده از افغانستان، بگونه یکجانبه صورت نخواهد گرفت. نامبرده همچنان تأکید بعمل آورد که اتخاذ هرگونه تصمیم و فیصله‌ای در مورد تقلیل قوت‌های نظامی ایالات متحده در توافق و هماهنگی کامل با متحدان ناتوی آن کشور، صورت خواهد گرفت.

بتاریخ ۶ ماه جدی سالروان، نماینده "طالب"ها اظهار داشت که ایالات متحده به اعضای جنبش وعده سپرده تا از آغاز ماه روان تاختم ماه اپریل سال حاضر، نیمی از قوت‌های نظامی آن کشور را از افغانستان فرا خواند، اما موضوع یادشده از جانب واشنگتن مورد تائید قرار نگرفته است.

اخبار و اطلاعاتی از امکان خروج قوت‌های نظامی امریکایی از افغانستان در اواخر سال ۲۰۱۸ بنشر رسید. اما هیچگونه تائید رسمی در مورد موجود نمی‌باشد.

نباید فراموش خاطر ما گردد که "طالب"ها در آتش جنگ‌ها در داخل کشور طی سال ۱۹۹۴ پا بعرصه وجود گذاشتند، آنها در جریان سال‌های ۱۹۹۶ - ۲۰۰۱ در رأس قدرت در کشور قرار داده شده و پس از سرنگونی طی سال ۲۰۰۱، جنگ‌های گوریلابی وسیع و گسترده‌ای را علیه قوای حکومتی افغانستان جمع نیروهای نظامی ناتو براه انداختند. در اوضاع و احوال کنونی، هم دولت افغانستان و هم "طالب"ها متمایل به تعامل و توافق سیاسی می‌باشند.

بخاطر باید داشت که در زمستان سال ۱۳۹۷ فعالیت‌ها و اقدام‌های دیپلومات‌های خارجی در مورد حل و فصل قضایای کشورما، بیش از هر زمان دیگر متبازتر گردید.

اما در زمینه ایجاد چار و جنجال‌هایی در انتخابات پارلمانی کشور که نتایج آن تا همین اکنون به نشر نرسیده و اعلام نگر دیده، در واقعیت امر، بازتاب دهنده تشنج فزاینده‌ای میان رئیس جمهور اشرف غنی و مخالفان سیاسی اش پنداشته می‌شود که در نوع خود به اوجش رسید.

در این اواخر، سر و صداها و اخباری در مورد نشست و گفتگوهای مستقیم و رو در روی "طالب"ها با نماینده‌های رسمی دولت افغانستان، بیش از هر زمان دیگری علاقمندی باشندگان سرزمین ما را سبب گردیده و مورد استقبال مردم و سیاسیون کشور قرار گرفته است.

بررسی کلی و همه جانبه حوادث و وقایع موجود، در نوع خود، چگونگی تداوم مذاکرات و گفتگوهای پیشرو را واضح و مبرهن خواهد نمود.

شانزدهم ماه فبروری سال ۲۰۱۹